

# ناپلئون بناپارت در شرق

نام کتاب: ناپلئون بناپارت در شرق

مؤلف: الهام محمدی گهرویی

ناشر: تمتی

محل نشر: تهران

تاریخ انتشار: چاپ اول، ۱۳۹۵

تعداد صفحه: ۱۴۸

تلفن: ۰۹۱۲۰۱۹۰۲۷۰

مشهورترین فرمانده نظامی و امپراتور فرانسه در قرن نوزدهم، **ناپلئون اول** است که سیاست‌های وی چهره اروپای قرن نوزده را به شکلی باورنکردنی تغییر داد. ناپلئون یک دشمن سرسخت داشت که با نیروی دریایی قوی و پیشرفته خود مانع حمله به آن کشور می‌شد و آن انگلستان بود.

در این کتاب، که در شش فصل تدوین شده، مؤلف به بررسی شخصیت و زندگی سیاسی ناپلئون پرداخته است. در **فصل اول** می‌خوانیم که ناپلئون بعد از تحصیلات مقدماتی برای اینکه بتواند وارد خدمت ارتش فرانسه شود در مدرسه توپخانه مشغول تحصیل شد. او بعد از دوران تحصیل، در سنوات اول خدمت در ارتش فرانسه (با سمت افسر توپخانه) چندین کتاب و رساله نوشت و نشان داد که دارای ذوق نویسندگی است.

آغاز خدمت ناپلئون در ارتش فرانسه همزمان با آغاز انقلاب کبیر فرانسه گردید. بعد از اینکه مردان انقلاب حکومت لوئی شانزدهم را در فرانسه ساقط و وی را محبوس و اعدام کردند، خاک فرانسه مورد تهاجم بیگانگان قرار گرفت و ارتش فرانسه به جلوگیری از آن برخاست.

مؤلف در این کتاب به ناپلئون و نقش او در پیکارهایی که بین ارتش فرانسه و ارتش‌های خارجی در گرفت اشاره مفصل دارد و مطرح می‌کند که وی به خصوص در اثر لیاقتی که در جنگ‌های ایتالیا و مصر از خود نشان داد در بازگشت به فرانسه کنسول اول شد. ناپلئون بین سال‌های ۱۸۱۵ - ۱۷۹۹ بر صفحه تاریخ اروپا و فرانسه درخشید. کودتایی که او را بر سریر قدرت نشاناد، دقیقاً ۱۰ سال بعد از شروع انقلاب به وقوع پیوست.

کتاب در این بخش موقعیت سیاسی ناپلئون را توصیف می‌کند، به طوری که ناپلئون را پرورده انقلاب می‌داند. وی شرح می‌دهد که انقلاب فرانسه ابتدا زمینه صعود ناپلئون را در ارتش ممکن ساخت و سپس وی را به قدرت فائقه کشور تبدیل کرد. ناپلئون در مقام امپراتوری، خود را خستگی ناپذیر، جاه‌طلب، پرنیرو، بسیار باهوش و واقع‌بین نشان می‌داد. به خاطر جاه‌طلبی‌های او بود که فرانسه درگیر جنگ‌های طولانی شد.

ناپلئون اصلاحات مهمی در امور کشور انجام داد. او «نیروی پلیس» را توسعه داد. نظارت بر سخنرانی‌ها، روزنامه‌ها و کتاب‌ها را قانون‌مند کرد و همچنین اصلاحاتی در امور مالیاتی انجام داد.

بیشترین توجه ناپلئون به سازمان ارتش بود. او خدمت سربازی را اجباری کرد. البته مردان متأهل، پدران خانواده و کشیش‌ها را از خدمت معاف کرد. در **فصل دوم** کتاب، خواننده جنگ‌های ناپلئون را دنبال می‌کند که در ابتدا فرانسه به اتریش و پروس اعلان جنگ داد. در یک جنگ هوشمندانه، او با سپاه اندک و تجهیزات کم به نیروهای اتریشی حمله کرد و آن‌ها را شکست داد. ناپلئون در خاورمیانه نیز نیرو پیاده کرد. وی قصد داشت پس از مصر، سوریه را نیز تصرف کند اما در یاسالار انگلیسی به نام **نلسون** ناوگان جنگی فرانسه را در نبرد نابود کرد. در سال ۱۸۰۰ م ناپلئون به ایتالیا نیز حمله کرد و اتریشی‌ها را از آنجا بیرون راند. در سال ۱۸۰۲، جنگ‌های طولانی بین انگلستان و فرانسه پایان یافت و ناپلئون تمام قدرت خود را برای سازماندهی و ترمیم خرابی‌های



محمدحسین معتمدآراد

گذشته به کار برد.

یکی از مهم‌ترین نبردهای ناپلئون حمله او به روسیه بود که حدود ۵۰۰ هزار نیرو در آن شرکت داشتند. این نبرد در فصل زمستان اتفاق افتاد؛ لذا گرسنگی و سرما سربازان فرانسوی را به عقب‌نشینی واداشت، به طوری که اغلب سربازان او کشته شدند و تنها ۳۰ هزار نفر برگشتند. از دیگر نبردهای ناپلئون، حمله او به اسپانیا بود که تلاش می‌کرد برادرش ژوزف را به‌عنوان پادشاه آنجا منصوب کند که اسپانیایی‌ها شورش کردند و امپراتور فرانسه را ناکام نمودند.

در ادامه فصل دوم، کتاب به آخرین نبرد ناپلئون، یعنی نبرد «واترلو» می‌پردازد. این نبرد حمله به مرکز دشمن بود که اسکاتلندی‌ها و انگلیسی‌ها آن را تشکیل می‌دادند. در این نبرد قوای پروس به کمک انگلیسی‌ها آمدند و قوای ناپلئون با روحیه تضعیف شده همگی رو به فرار گذاشتند؛ در نتیجه ناپلئون بیش از ۲۵ هزار کشته و ۸۰۰۰ اسیر از دست داد.

در انتهای فصل دوم، مؤلف به پناهنده شدن ناپلئون اشاره دارد و می‌نویسد: «ناپلئون پس از شکست سختی که در نبرد «واترلو» از انگلستان خورد، توسط خود انگلیسی‌ها به جزیره سنت هلن تبعید شد و در تاریخ ۵ مه ۱۸۲۱ در همانجا درگذشت» (ص ۴۳).

لشکرکشی ناپلئون به مصر و پیامدهای آن، عنوان فصل سوم این کتاب است. در این فصل می‌خوانیم: «مصر فرهنگی را به وجود آورد که همواره در طول تاریخ چشم همه فاتحان را خیره کرد و به احترام وادار نمود» (ص ۵۳). از سوی دیگر مصر هر چیزی را که برای حیات آبرومندانه و مرفه لازم بود در اختیار داشت: کشاورزی پرمحصول، موانع طبیعی در برابر تهاجم بیگانگان و جمعیت فراوان که صاحب هنر و مهارت بودند. روی هم رفته مردم مصر همواره در طول تاریخ از زندگی نسبتاً راحتی نسبت به مردم دیگر سرزمین‌ها برخوردار بودند. کشور مصر با اوصافی که گفته شد، شاهد کشمکش‌هایی نیز بود.

در ابتدا این کشور جزو مستعمرات روم بود و پس از آن به دست اعراب مسلمان فتح شد و مدتی هم به دست مسیحیان افتاد. پس از انقراض فاطمیان، سلاطین ایوبی و مملوک به قدرت رسیدند و ... این وضع به مدت ۲۵۰ سال تا هجوم ناپلئون در سال ۱۷۹۸م ادامه داشت تا اینکه عثمانی‌ها در اتحاد با انگلیسی‌ها توانستند ناپلئون را شکست داده و مصر را از دست فرانسویان خارج کنند. بنابراین در آستانه حمله ناپلئون به مصر، این کشور از مضافات سلطنت عثمانی محسوب می‌شد، اما سلطان ترک (خدیو) در آنجا جز نامی نداشت و اداره کشور با امرای مملوک بود. کتاب پس از ارزیابی‌ها و چگونگی لشکرکشی ناپلئون به مصر، هدف از لشکرکشی‌ها را توجه به هند دانسته و اینکه خواسته ناپلئون به خطر انداختن هند بوده است.

**فصل چهارم** به جایگاه ایران در سیاست شرقی ناپلئون اشاره دارد. از عصر ناپلئون موقعیت استراتژیک ایران هنگامی مهم شد که هند وارد صحنه سیاست استعمارگران گردید. از آن پس رهبران بریتانیا به ایران به‌عنوان سپری برای دفاع از هند می‌نگریستند. اهمیت موقعیت استراتژیک ایران از زمان جنگ ناپلئون شروع شد. هنگامی که ناپلئون فهمید نمی‌تواند از طریق دریا به جزایر بریتانیا حمله کند، فکر حمله به هند از طریق مصر و ایران را در سر پروراند.

ناپلئون به دنبال شکست طرح حمله خود از مصر به هند بر آن شد تا نقشه تازه‌ای را پیاده کند. یعنی از طریق ایران به هند حمله‌ور شود. با این کار، انگلیسی‌ها بیش از پیش متوجه ایران شدند و خود را برای رقابت و نفوذ در این کشور آماده کردند.

مؤلف در ادامه این بحث، به نقل از **اعتضادالدوله** آورده است: هدف ناپلئون از ایجاد اتحاد و برقراری ارتباط با ایران، دو دلیل عمده است:

۱. ایران را بر ضد روسیه تحریک و تشویق کند.

۲. ایران را برای تصرف هندوستان با خود همراه کند (ص ۸۲).

در ادامه این بخش می‌خوانیم که اولین باری که ناپلئون به فکر «شرق» افتاد، شانزدهم فوریه ۱۸۰۵ م مطابق شانزدهم ذی‌القعدة ۱۲۱۹ هجری قمری بود. هدف ناپلئون از شرق، ایران بود. هسته اولیه قرارداد بین ایران و فرانسه در اردوگاه نظامی «فین‌کنشتاین» در خاک لهستان هنگام جنگ ناپلئون با پادشاهی پروس بسته شد. نماینده این قرارداد میرزا **محمد رضاخان**، حکمران قزوین بود که به همراه ژوبر نزد ناپلئون رفت.<sup>۱</sup> عهدنامه فین‌کنشتاین علی‌الظاهر خواسته‌ها و مقاصد فتحعلی‌شاه را تأمین می‌کرد ولی مواد قرارداد طوری تنظیم شده بود که ناپلئون می‌توانست هر موقع بخواهد از زیر تعهدات خود شانه خالی کند (ص ۸۹).

آخرین فصل کتاب به نادیده گرفتن تعهدات عهدنامه مذکور می‌پردازد: ناپلئون که به موجب این عهدنامه (فین‌کنشتاین) تعهداتی را نسبت به ایران داشت، یکباره آن را نادیده گرفت و در زمان حساسی که ایران به کمک فرانسه نیاز داشت و بر این اساس محاسباتی را انجام داده بود، نسبت به وضع ایران کاملاً بی‌اعتنا شد. فتحعلی‌شاه این عمل ناپلئون را خیانت شمرد و چون به کلی از کمک فرانسوی‌ها ناامید شد تصمیم گرفت دست دوستی و اتحاد انگلستان را بشمارد (ص ۹۲).

در **فصل پنجم** با عنوان روابط ایران و انگلستان می‌خوانیم که یکی از دلایل توجه انگلستان به ایران از مدت‌ها قبل امپراتوری عثمانی بوده؛ چرا که از قرن ۱۶ م امپراتوری عثمانی رو به اوج بود و سلاطین عثمانی در عین حال مدعی خلافت اسلام و کشورهای اسلامی بودند. از دیگر دلایل توجه انگلیس به ایران را می‌توان ناپلئون دانست زیرا ناپلئون بزرگ‌ترین دشمن وحدت اروپا و صلح بین‌المللی را انگلیس می‌دانست. در واقع در طول قرن ۱۹ م علت توجه انگلستان به ایران را می‌توان دو عامل دانست:

۱. انقلاب کبیر فرانسه؛ ۲. لشکرکشی